

سر مشق نامه نگاری ساده و روان

استاد سید احمد خراسانی مردی صاحب‌دل و صاحب‌نظر و با منطقی قوی و استدلالی مستوی است و در هر مبحث علمی و ادبی و اجتماعی که وارد بشود در نیم‌اند و آنرا بخوبی درمی‌یابد ولی چون بالطبع شوخ مزاج و طبیعت دوست است، گاه بگناه، گفته و نوشته خود را بلطائف و ظرائف ادبی چاشنی می‌زند. اخیراً در یکی از جلسات گفت و شنود در باب وضع تلفن که آقای معتمدی وزیر پست و تلگراف و تلفن و جمعی دیگر حضور داشتند، ایشان هم شرکت کردند و بعد نامه‌ای بوزیر نوشتند و نسخه‌ای از آنرا برای ماهنامه تحقیقی گوهر فرستادند، چون عبارات این نامه بسیار سلیس و روان و شیرین و منطقی نویسنده فوق‌العاده استوار و محکم و متین بود و از آن‌دو مهمتر، سبک و سیاق یک نامه معمولی اداری زمان حاضر را نشان میداد، با حذف مقدمه نامه، بدرج آن در این شماره پرداختیم تا جوانان نوچرخ و نوکار، آنرا سر مشق نامه نگاری قرار دهند و بدانند که اگر زبان مادری را نیکو بیاموزند و با اصول فصاحت و بلاغت ادب پاسری و براه و رسم ساده و روان نامه نگاری آشنا شوند و در بیان مطلب منطقی و استدلال و استشهاد قوی داشته باشند، هیچگاه در بیان مطلب خود در نمی‌مانند و می‌توانند آنچه را در دل دارند به رساترین لفظ و بهترین معنا و شیرین ترین مضمون بروی کاغذ بیاورند و دیگر بنوشتن نامه‌هایی که از لحاظ املاء و انشاء خنده‌آور و سخره‌آمیز و نمودارهای آن در اغلب محافل و مجالس مایه تفریح و تفتن است نپردازند.

دکتر کاسمی

* آقای استاد سید احمد خراسانی از محققان ژرف‌نگر و صاحب‌نظر معاصر.

«..... پس از سخنان وزیر یکی از حاضران بپاخواست و از فروش تلفن و انتقال آن گله‌ها کرد و آن را نابجا و بازار سیاه خواند و پیشنهاد کرد برای بستن این بازار سیاه ، تلفن هم چون آب و برق روی خانه باشد و انتقال ناپذیر مگر باخانه - چنانکه در قدیم سنگ بام غلتان و چرخ‌چاه و هاون سنگی با آن دست‌چوبین و یا سنگین روی خانه بود و باخانه باجاره میرفت یا خرید و فروش میشد.

بنظر اینجانب قیاس تلفن به آب و برق درست نیست و باصطلاح قیاس مع الفارق است. زیرا آب و برق باخانه رابطه دارد نه با اجتماع در صورتیکه تلفن با اجتماع رابطه دارد نه باخانه. باین دلیل‌ها :

۱ - تلفن دفتری دارد بنام اشخاص اجتماع و شماره تلفن‌ها جلونامه‌هایی است به ترتیب حروف الفبا تا یافتنش آسان باشد. اگر محل نصب تلفن را در دفتر تلفن مینویسند باز برای نشانی اشخاص حقیقی یا حقوقی است نه آدرس تلفن‌ها. در تلفن‌خانه هرجا ، دفترهای تلفن جاهای دیگر موجودست مانند دفترهای تلفن شهرهای آن کشوریا شهرهای کشورهای دیگر. زیرا شاید یکی در نیویورک بخواهد به یکی در تهران تلفن کند یا به عکس. جهان امروز واحدیست و همه به هم کاردارند. پس شماره‌های تلفن ، دفتر می‌خواهد نه شماره‌های اشتراک آب و برق. تهیه چنین دفتری برای شماره‌های اشتراک آب و بری بیهوده بلکه خنده‌آورست. يك امریکایی بشماره آب و برق يك کرمانی یا تهرانی چه کار دارد؟! ..

۲ - اشخاص که از خانه بیرون می‌روند برق‌ها را خاموش میکنند و شیرهای آب و حرارت یا پرودت مرکزی (شوفاژ و کولر) را می‌بندند و دیگر نگرانی ندارند. زیرا اجتماع به آب و برق و حرارت و پرودت خانه کسی کار ندارد ولی نسبت به تلفن ، با بیرون رفتن از خانه ، اول نگرانی و دلواپسی است. زیرا در تلفن يك سرنخ در دست مردم است. در نبودن اهل خانه باز تلفن کار میکند ولی مردم با اهل خانه کاردارند نه باخانه. دستگاه نوپدید (رکدر) یا گیرنده تلفن برای رفع همین دلواپسی است که در نبودن اهل خانه ، دستگاه گیرنده ، صدا را بگیرد و نگاه دارد. شاید از این دستگاه‌ها بیشتر سود جویند و جواب هم بدهد که اهل خانه کجا و چرا رفته‌اند؟ پس کاربرد آب و برق امریست کاملاً خصوصی و کاربرد تلفن امریست کاملاً اجتماعی و در سطح جهانی. زیرا آب و برق و دستگاه حرارت و پرودت (شوفاژ و کولر) برای بهره گرفتن در زندگی خصوصی اهل خانه است ولی تلفن برای ارتباط آنانست با اجتماع و اجتماع با آنان در سطح جهانی.

۳ - همه میکوشند شماره تلفن‌شان چرخ‌ی یا باصطلاح گردا باشد ، بارقامی همانند

و مرتب که در حافظه‌ها بماند و حاضرند درین راه مایه بگذارند ولی هیچکس نمیکوشد که شماره اشتراك آب و برقش گرد باشد و هیچ عاقلی درین راه مایه نمیگذارد. چرا؟ زیرا گرد بودن شماره تلفن برای کمک به دوستان و آشنایان اجتماع است ولی اجتماع رابه شماره اشتراك آب و برق شما چه کار، برای خودتان و دیگران بی تفاوتست که شماره اشتراك برق یا تلفنتان گرد باشد یا دراز!

من پیشنهاد میکنم که اداره تلفون شماره‌های گرد رابه نفع سازمان مبارزه با سرطان به مزایده گذارد و از هرائتقال نیز چیزی به نفع این سازمان بگیرد.

۴ - شماره تلفن يك پزشك یا يك شرکت یا يك بازرگان ارزش دارد و در تغییر جا، از تغییر شماره اشتراك برق نمی‌هراسد ولی از تغییر شماره تلفن بیم دارد و اگر بتواند میخواهد با خود ببرد زیرا با تغییر شماره تلفن رابطه‌اش با دیگران گره می‌خورد. شماره تلفن يك بازرگان یا يك شرکت مانند عنوان پستی یا تلگرافی یا علامت (مارك) اوست و در اقتصادش بسیار اثر دارد در حالی که شماره آب و برق او چنین نیست.

۵ - آنان که در گرفتن تلفن يك ناحیه برای چند شماره وام میدهند، به امکانات مالی اداره تلفن کمک میکنند. آخر خرج کشیدن کابل کم و به این آسانها مقدور نیست. تا بقدر کافی وام نگیرند، نمیتوانند کابل بکشند. برای يك ناحیه هزاران نفر باید وام بدهند. با وام يك یا چند نفر انگشت شمار، این کار بزرگ صرف نمیکند. این مثل در فارسی هست و درست است که «برای يك پی‌نماز در مسجد رانمی‌بندند» عکس این مثل هم درست است که «برای يك نمازخوان نیز مسجد نمی‌سازند» اداره تلفن نمیتواند تلفن يك ناحیه را تأمین کند مگر با وام هزاران مشترك. بلی اگر یکی وام هزاران مشترك را بدهد اداره تلفن میتواند کابل بکشد. ولی آن یکی کیست؟ و چرا بدهد؟ پس آنان که برای چند تلفن وام میدهند، از يك سو، به امکانات اداره تلفن و فعالیت‌های ارتباطی مردم کمک میکنند و از سوی دیگر، برای روز نیاز مردم از پیش، تلفون ذخیره (رزرو) میکنند. پس فروش تلفن مستقلاً بجماعت نه نا بجا و بازاریش سپیدست نه سیاه زیرا بسود دستگاه و مردم است. البته این کار رامنت و در راه خدانمیکند مانند هر کس و هر زنده به امید سود مایه میگذارند و برای تلفن وام میدهند. اگر تلفن هم چون آب و برق روی خانه باشد و مستقلاً قابل انتقال نباشد از شرکت مردم در دادن وام بسیار می‌کاهد تا آنجا که اداره تلفن نمیتواند کابل بکشد و در نتیجه مردم بی‌تلفن میمانند و دودش بچشم خودمان میرود. بگذارید دور بین‌تر باشیم و از روی احساس در مسائل اقتصادی حرف نزنیم. راست است که فلان شرکت تولید روغن نباتی، برای سود خودش کار میکند ولی کارش بسود دیگران هم هست. اگر روغن نباتی نبود روغن حیوانی کیلویی هزار تومان هم گیر کسی نیامد.

۶ - هرچه بشماره اشتراك تلفن بيفزايد ، سود تلفن و تلفن داشتن بيشتر و ميدان اين وسيله ارتباط جمعی ، پهناورتر و گسترده‌تر ميشود. تلفن مانند دوست است كه هرچه بيشتر ، بهتر ، كه گفته‌اند : «هزاران دوست كم است و يك دشمن بسيار» ای كاش هرخانه و هر مغازه و هر دكه و هر جا تلفن مي‌داشت . اگر به تلفن‌ها چند برابر می‌افزودند آمد و شد كم می‌شد و از سختی رفت و آمد (ترافيك) بسيار ميكاست . زیرا تلفن دور را نزديك ميكند . ازین رو اگر شما در تهرانید و تلفن دارید و دو آشنا دارید یکی در تهران بی‌تلفن و دیگری در آمریکا با تلفن ، شما به آنكه در آمریکاست در ضرورتها نزديك‌ترید تا آنكه در تهرانست . اگر سعدی بود میگفت ، دوران با تلفن در حضورند و نزديكان بی‌تلفن دور . باید كم كم در زمينه حقيقت گفت و گو با تلفن ، كار بشود و قانونها بگذرانند كه مكالمه با تلفن در دادگاهها و معاملات تلفنی ، حجت‌شود . در اروپا با تلفن شهادت مي‌دهند و با تلفن معامله مي‌کنند . در ايران با تلفن عشق‌بازی ميشود ! اين هنرها از برق و آب برنمیآید . (عشق‌بازی با تلفن و انگیزه این كار زمينه قسمت دوم سخنان من است كه در قسمت دوم این نوشته می‌خوانید.)

۷ - زیان قطع آب و برق شخصی است و زیان قطع تلفن اجتماعی است . زیرا قطع آب یا برق بیک خانه زیان میرساند و قطع تلفن با افراد آن خانه و دیگران در آن کشور یا کشورها دیگر . پس زیان قطع تلفن جهانی است . درین باره داستانی شیرین دارم :

نویسنده نامی و دوست هنرمند و نیکم ، شادروان محمد سجازی ، مطیع الدوله ، رئیس شرکت تلفن بود . در روزنامه این آگهی را از شرکت تلفن خواندم «هرکس در پرداخت آبنه تلفن ۱۵ روز تأخیر کند تلفنش قطع ميشود» از مطیع الدوله پرسیدم : شما چرا این آگهی را کردید ؟ گفت دیدیم اداره برق نظیر این آگهی را کرد و نتیجه گرفت ، ماهم همین كار را کردیم تا حق اشتراك تلفن را پس نیندازند . بشوخی گفتم «خلق را تقلیدشان برباد داد» شما مطیع الدوله آید نه مطیع البرق . اداره برق میتواند این آگهی را بکند و شرکت تلفن نمیتواند . گفت چرا ؟ گفتم زیرا فایده برق هر جا شخصی صاحب آنجاست اگر یکی بد حسابی کرد برق همورا قطع میکنند و به هموزیان میرسد نه بغير . بلکه دیگران از خاموشی برق اوسود می‌برند ، زیرا به نور برق دیگران می‌افزاید و در تلفن چنین نیست . اگر تلفن یکی را قطع کردید ، به دیگران هم زیان میرسد ، زیرا از میدان شماره‌های تلفن دیگران می‌کاهد . چنین انگارید كه از چهار هزار تلفن تهران (آن وقت شماره تلفن‌ها بسیار كم بود و شماره - ۴۰۰۰ - شماره تلفن خانه خود مطیع الدوله بود) هزار شماره بد حسابی کردند و تلفن‌شان را قطع کردید . با این كار تا آنكه به (۳۰۰۰) مشترك خوش حساب زیان زده‌اید زیرا از میدان مكالمات تلفنی و امكانات ارتباطی آنان را

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی